

گزارش عملکرد صندوق های قرض الحسنه استان اصفهان

۱ ۳ ۸ ۶



دکتر حسین ملانی

سال پنجم / شماره ی نوزدهم / ۱۳۸۷ / ویژه نامه



مدیر مسئول:

حسین ملانی

جانشین مدیرمسئول:

دکتر سید ابراهیم جعفری

سرمقاله / حسین ملانی ۲

قانون بانکی از قرض الحسنه ها محافظت می کند / مصاحبه با دکتر هوشنگ شجری ۳

توصیه های قرآنی در خصوص قرض الحسنه ... / مصاحبه با دکتر محسن رنالی ۸

قرض الحسنه، یک موسسه خود جوش ویژه ... / مصاحبه با دکتر امیر هورتمنی ۱۳

قرض الحسنه ها در این چند سال ... / مصاحبه با احمد متکی ۱۹

نظارت کانون حسنات بر صندوق ها، نظارتی ... / مصاحبه با احمد صابریان ۲۳

مشکلات اقتصادی سال های اخیر سبب ... / مصاحبه با قدمعلی داوری ۲۷

تحلیل های آماری / ۳۱

پیوست ها / ۶۳

همکاران این مجموعه:

سمیلا صدیقی، علیرضا روحانی،

ایمان حجتی، لیلا شکوه فر

امور روابط عمومی:

رضوان صادقی زاده

طرح روی جلد:

کمال صادقی

ISSN: 1735-8035

مدیریت اجرا:

آژانس بازاریابی توسعه پویا

www.tose-e-pouya.com

اصفهان، خیابان چهارباغ، پاساژ کازرونی، ساختمان کانون حسنات، تلفن: ۲۲۰۳۱۰۰ (۱۱ خط) نمابر: ۲۲۰۲۰۳۶

www.daricheonline.com

E-mail: info@daricheonline.com , G-mail: dariche.magazine@gmail.com

مقالات ارسالی به فصلنامه، بازگردانده نمی شود. چاپ و نشر: موسسه ی نشر سلمان
فصلنامه، در ویرایش مطالب آزاد است. موسسه ی نشر سلمان
نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است. ۰۱-۶۶۴۳۳۷۸ (۰۲۱)
آرای نویسندگان لزوماً دیدگاه فصلنامه نیست. بهاء: ۱۰,۰۰۰ ریال



دکتر محسن رنانی:

توصیه‌های قرآنی در خصوص قرض الحسنه با آخرین یافته‌های علم اقتصاد تایید می‌شود

قرض الحسنه در اسلام فقط یک نهاد اقتصادی نیست بلکه نهادی است که در کنار کارکرد اقتصادی، کارکردهای اخلاقی و اجتماعی مهمتری دارد. این صحبت "دکتر رنانی"، اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان است که در این مصاحبه به صورت تفصیلی به آن پرداخته شده است. دکتر رنانی معتقد است توصیه‌های قرآن در خصوص قرض الحسنه‌ها، در تئوری‌های اقتصادی نیز جایگاه ویژه خود را داشته و با آخرین یافته‌های علم اقتصاد تایید می‌شود.

امروزه قرض الحسنه‌ها به صورت نهادهای فعال در سطح کشور گسترش یافته‌اند. اولین پرسش ما این است که قرض الحسنه‌ها چه جایگاهی در فرهنگ اسلامی و چه پیوندی با تئوری‌های علم اقتصاد دارد؟

قرض الحسنه یک واژه اسلامی و برگرفته از فرهنگ اسلامی است. اگر به دنبال ریشه‌های این فرهنگ اسلامی باشیم، به چند آیه قرآنی می‌رسیم که در این آیات به قرض الحسنه اشاره شده است. با دقت در این آیات درمی‌یابیم، خداوند متعال می‌فرماید "هر کس به خدا قرض الحسنه دهد". یعنی در این آیات صحبت از قرض دادن به خلق نیست، بلکه صحبت از قرض دادن به خداوند است و خداوند متعال در آیه‌ای دیگر می‌فرماید چنین فردی بعداً چند برابر از میزانی که قرض داده است، پس خواهد گفت. این

حال اگر به دنبال
نسبت امروزی آن
باشیم که چرا قرض
دادن پول به خدا
را قرض الحسنه
می نامیم،
درمی یابیم که در
قرضی که به مردم
می دهیم، به نوعی
فرصتی را انفاق
می کنیم.. یعنی در
حال حاضر خود فرد
می تواند از این پول
استفاده کند، ولی
فرصت استفاده را
به فرد دیگر واگذار
می کند. پس این
فرد فرصت استفاده
از پول را انفاق کرده
که در واقع قرض به
خداست

قرض الحسنه به صورت تدریجی وارد جامعه اسلامی شده و به یک نهاد اجتماعی، تبدیل شده است. در آن آیات منظور از قرض الحسنه به خدا این است که خداوند انفاق در راه خدا را مانند قرضی به خود خدا می داند. پس ریشه قرض الحسنه در اسلام فقط یک نهاد اقتصادی نیست بلکه نهادی است که در کنار کارکرد اقتصادی، کارکردهای اخلاقی و اجتماعی مهمتری دارد.

در آن آیات منظور از قرض الحسنه به خدا این است که خداوند انفاق در راه خدا را مانند قرضی به خود خدا می داند. پس ریشه اصلی قرض الحسنه انفاق کردن است که ما به خدا قرض می دهیم و بعداً از خود خدا می گیریم. حال اگر به دنبال نسبت امروزی آن باشیم که چرا قرض دادن پول به خدا را قرض الحسنه می نامیم، درمی یابیم که در قرضی که به مردم می دهیم، به نوعی فرصتی را انفاق می کنیم. یعنی در حال حاضر خود فرد می تواند از این پول استفاده کند، ولی فرصت استفاده را به فرد دیگر واگذار می کند. پس این فرد فرصت استفاده از پول را انفاق کرده که در واقع قرض به خداست. با این توجیه می توان گفت قرض الحسنه ای که امروز به یک نهاد اجتماعی تبدیل شده است، همان مفهوم انفاق را دارد، ولی در قرض الحسنه امروزی اصل پول انفاق نمی شود بلکه فرصت استفاده از آن انفاق می شود. در هر صورت چنین مفهومی از فرهنگ اسلامی به فرهنگ عمومی مردم وارد می شود و به نهادی به نام قرض الحسنه تبدیل می شود.

چنین نهادی با مشخصاتی که ذکر کردید، چگونه شکل می گیرد؟

نکته مهم در خصوص قرض الحسنه این است که چنین نهادی مبتنی بر اعتماد است و فرض بر این است که مناسبات بین مومنین برقرار است و مومنین به خاطر پایبندی به احکام دینی، وفای به عهد کرده و می توان به آنان اعتماد کرد. پس دقت کنیم نهادی به نام قرض الحسنه متعلق به دوره تاریخی است که قابلیت اعتماد مردم بالاست و مردم می توانند بدون نگرانی از بازپرداخت و بدون نیاز به گرفتن وثیقه، اعتماد کنند و قرض دهند. بدون تردید هرچه سطح اعتماد در جامعه پایین تر بیاید، عملکرد قرض الحسنه به نزدیکان، دوستان و آشنایان محدود می شود. زیرا هنوز بین آنان اعتماد برقرار است، ولی به محض اینکه اعتماد کم شود، کارکرد قرض الحسنه محدود می شود.

با این صحبت ها، تفاوت قرض الحسنه با وام های بانکی چیست؟

تفاوت قرض الحسنه با سایر وام ها، در وجود بهره است. زیرا سایر وام ها بهره دارند، ولی قرض الحسنه بهره ای ندارد. تفاوت دیگر این است که سایر وام ها به تضمین ها و مناسبات قانونی متصل است، ولی تجربه تاریخی قرض الحسنه نشان می دهد که قرض الحسنه بر اعتماد متقابل بنا شده و بر پایه ساز و کار قانونی نیست.

آیا سیستم اقتصادی که قرض الحسنه از آن پیروی می کند، در اقتصاد مدرن جایگاهی دارد؟

اول باید قرض الحسنه را تعریف کنیم. با توجه به صحبت هایی که در پرسش قبلی نیز مطرح شد، منظور از قرض الحسنه، وامی است که بهره نداشته باشد و مبتنی بر اعتماد باشد. در چهل سال اخیر، اقتصاددانان توانستند به یک حوزه جدیدی از نظریه رشد اقتصادی دست پیدا کنند که نشان می دهد بهترین رشد اقتصادی زمانی رخ می دهد که نرخ بهره صفر باشد. در حال حاضر تئوری های اقتصادی معتقدند نرخ بهره خوب، نرخ بهره صفر است. در حال حاضر می بینیم که کشورهای توسعه یافته اصرار دارند که نرخ بهره آنان صفر باشد و برخی کشورها مانند ژاپن در حال حاضر قصد دارند این نرخ بهره را به سمت صفر ببرند. یعنی تجربه تاریخی و نظریه اقتصادی نشان می دهد که یک اقتصاد پویا وقتی به حداکثر ظرفیت و بازدهی خود می رسد که نرخ بهره به سمت صفر حرکت کند. این تئوری اقتصادی پیامی را به ما منتقل می کند که توصیه های قرآن در خصوص قرض الحسنه ها، در تئوری های اقتصادی نیز جایگاه خود را دارد، زیرا اقتصاددانان در چهل سال اخیر دریافته اند که بهترین نرخ رشد اقتصاد در نرخ بهره صفر حاصل می شود. بنابراین سنت قرض الحسنه سنتی است که با آخرین یافته های علم اقتصاد نیز تایید می شود.

جایگاه فعلی قرض الحسنه ها را در کشور چگونه ارزیابی می کنید؟

تجربه اخیر قرض الحسنه ها در ایران به گونه ای بوده که آنان را به نهادهای مالی نظیر بانک ها تبدیل کرده است. در حال حاضر دو آسیب قرض الحسنه ها را تهدید کرده و در حال لطمه زدن به کارکرد اصلی آنان است. اولین آسیب، ورود تدریجی بهره با هر اسم دیگر مانند جایزه که نوعی بهره تصادفی است که بر کارکرد قرآنی قرض الحسنه ها تاثیر می گذارد و دومین آسیب، فعالیت های اقتصادی که برخی قرض الحسنه ها با پول های مردم انجام داده اند و در برخی موارد منجر به شکست شده و این شکست باعث شده اعتماد مومنین به قرض الحسنه ها کاهش یابد. حرکت به سمت گرفتن سود از وام ها و همچنین حرکت به سمت به کار انداختن وجوه مردم در فعالیت های اقتصادی موجب شده که قرض الحسنه ها ماهیتی بانکی پیدا کرده و اعتقاد دینی مردم از آنان کاهش یابد و متأسفانه این موارد لطمه بزرگی به کارکرد قرض الحسنه ها زده و می زند. اگر بخواهیم این موضوع را آسیب شناسی کنیم به این نکته می رسیم که اگر قرار باشد قرض الحسنه ها نیز مانند دیگر نهادهای مالی عمل کنند، فقط اسم قرض الحسنه را یدک خواهند کشید و کارکرد بانک را خواهند داشت. در این صورت عملیات آنان باید مبتنی بر پشتوانه های

قرض الحسنه
در اسلام فقط
یک نهاد اقتصادی نیست
بلکه نهادی است که
در کنار کارکرد
اقتصادی، کارکرد
اخلاقی و اجتماعی
مهمتری دارد.
نهاد قرض الحسنه، نهادی
است که

سرمایه اجتماعی
تولید می کند که برای
این منظور، افراد باید
همدیگر را بشناسند،
ارتباط بگیرند
و اعتماد کنند

زکریا

قانونی باشد نه اعتماد متقابل، در صورتی که کارکرد قرض الحسنه‌ها باید مبتنی بر اعتماد و اعتقاد باشد. بنابر این قرض الحسنه‌هایی که به هر دلیل تمایل دارند فعالیت اقتصادی انجام دهند، برای اینکه به اعتماد و اعتقاد مردم لطمه نزنند، بهتر است نام و نوع فعالیت و ماهیت حقوقی خود را تغییر داده و از شکل قرض الحسنه به نهادهای پولی تبدیل شوند.

به نوعی میتوان گفت، معتقدید کار قرض الحسنه باید به صورت خرد بین مومنین صورت گیرد؟

قرض الحسنه به مفهوم سنتی و اسلامی با شکل‌گیری نهادهای بزرگ ناسازگار است. چون این نهادها نمی‌توانند بر اساس اعتماد و خدمات رایگان مومنین فعالیت کنند و نیاز به فراهم‌سازی سیستم اداری وسیع و... بوجود آمده و این نیاز، قرض الحسنه‌ها را نیازمند کسب درآمد و حرکت به سمت فعالیت اقتصادی می‌کند. من معتقدم اگر قرض الحسنه بخواهد مفهوم اصیل خود را ادامه دهد، باید فعالیت محدود و محلی داشته باشد و تا حد ممکن این کار را بدون دریافت سود انجام دهد. البته بحث دریافت کارمزد یعنی هزینه‌ای که بابت عملیات اداری قرض الحسنه دریافت می‌شود، متفاوت است. ولی اگر به دلیل فرصت از دست رفته پول، سودی دریافت شود و یا اگر بخواهیم بازدهی پول را بگیریم و یا ارزش از دست رفته پول که ناشی از تورم است را پوشش دهیم، به بهره بانکی می‌رسیم و اگر قرض الحسنه‌ها بابت فرصت از دست رفته پول، هزینه‌ای دریافت کنند در جهت کسب سود و بهره اقدام کرده‌اند. قرض الحسنه اگر از مفهوم تعامل محلی مبتنی بر اعتماد و پول‌های انباشته شده جمعی و کوچک به یک مرکز بزرگ تبدیل شود، از مفهوم اصیل خود خارج می‌شود.

به نظر می‌رسد شما کارکردهای دیگری برای قرض الحسنه‌ها علاوه بر کارکرد اقتصادی آن قائل هستید؟

قرض الحسنه فرصتی برای مومنین است تا یک گام رشد کنند. پس قرض الحسنه مبتنی بر اعتماد افرادی است که یکدیگر را می‌شناسند و این نهاد، دارای کارکرد محلی برای پوشش نیازهای محلی است. اگر این نهاد از این مفهوم فاصله بگیرد، از مفهوم اصیل خود خارج می‌شود و قرض الحسنه‌ای که در سطح ملی فعالیت کند، از مفهوم اصیل خود فاصله گرفته است. زیرا احکام و اصول اخلاقی دینی برای پالایش و رشد وجودی و درونی افراد است. اگر چنین فعالیتی از سطح فردی به سطح کلان تبدیل کنیم، فرصتی را از افراد برای آموزش و پالایش روحی گرفته‌ایم. ما باید قرض الحسنه بدهیم تا تجربه کنیم. همچنین بیاموزیم که از علایقمان بگذریم که این یک بحث اخلاقی است. قرض الحسنه در اسلام فقط یک نهاد اقتصادی نیست

در حال حاضر
دو آسیب
قرض الحسنه‌ها
را تهدید کرده و
در حال لطمه زدن به
کارکرد اصلی آنان
است. اولین آسیب،
ورود تدریجی
بهره با هر اسم
دیگر مانند جایزه
که نوعی بهره
تصادفی است که
بر کارکرد قرآنی
قرض الحسنه‌ها
تاثیر می‌گذارد
و دومین آسیب،
فعالیت‌های
اقتصادی که برخی
قرض الحسنه‌ها
با پول‌های مردم
انجام داده‌اند

ریحی

بلکه نهادی است که در کنار کارکرد اقتصادی، کارکرد اخلاقی و اجتماعی مهمتری دارد. نهاد قرض الحسنه، نهادی است که سرمایه اجتماعی تولید می کند که برای این منظور، افراد باید همدیگر را بشناسند، ارتباط بگیرند و اعتماد کنند. در واقع قرض الحسنه فرصتی است که در اختیار افراد داده می شود تا از علایق خود بگذرند و بخشی از دارایی خود را برای حل و فصل امور مومنین اختصاص دهند. حال وقتی چنین نهادی به یک نهاد بزرگ تبدیل شود، انگیزه ها از فرد گرفته می شود. بسیاری از احکام اسلامی کارکرد خرد دارند که اگر کارکرد خرد آنان را به کارکرد کلان تبدیل کنیم، آن را از روح و کالبد اصلی خارج کرده ایم. مانند دعا که کارکرد خرد دارد و تقویت کننده ارتباط فرد با خدا است. به عنوان مثال حضرت علی (ع) دعای کمیل را در نخلستان ها تنها می خواندند. وقتی چنین مساله ای به سطح اجتماعی وارد شود، آفاتی به آن وارد می شود به طور مثال با ریا آلوده می شود. پس احکامی که در سطح خرد است نباید به سطح کلان وارد شود. قرض الحسنه نیز یک عمل دینی سطح خرد است که وقتی به سطح کلان وارد می شود، کارکرد روحی و اخلاقی قبلی خود را از دست می دهد. بنابر این مفهوم سنتی قرض الحسنه تا زمانی که به صورت نهادهای کوچک محلی باشد باقی می ماند و قرض الحسنه ها با مفهوم سنتی، دارای کارکردهای اخلاقی، روحی و عبادی هستند که با بزرگ کردن آنان، کارکرد روحی و اخلاقی آنان گرفته می شود.

تجربه تاریخی
و نظریه اقتصادی
نشان می دهد که
یک اقتصاد پویا
وقتی به حداکثر ظرفیت
و بازدهی خود می رسد
که نرخ بهره
به سمت صفر
حرکت کند
